

## مقایسه دو مکتب اخلاقی

### در مورد دروغ

هیچکس طعم ایمان نمی‌چشد ، مگر اینکه دروغ را  
اعم از شوخی و جدی ترک کند .

(علی علیه السلام)

آثاری که تعلیمات انبیاء و مکتب‌های تربیتی آنها ، در بالا بردن سطح افکار عمومی باقی گذاشته است ، جای هیچگونه شك و تردید نیست . درست است که يك سلسله از فضائل اخلاقی است که مورد تصدیق همگان بوده و شاید اگر فردی پیدا شود که در تمام عمر خود از هیچ مبلغ مذهبی و یا از هیچ مربی اخلاقی سخنی درباره بدی دروغ و خوبی راستگویی و نظائر آن نشنیده باشد بطبع خود ببدی و زشتی آن و خوبی این اعتراف خواهد کرد ؛ ولی با اینهمه نمیتوان سیستم تربیتی مکتب انبیاء و اثر عمیق و ریشه‌داری را که آنها در ایجاد فضائل اخلاقی در جامعه بشری داشته‌اند با سیستم تربیتی مربیان اخلاقی غیر مذهبی مقایسه کرد .

### اصیل‌ترین و معروفترین مکتب اخلاقی

بفرض اینکه ما نظر طرفداران سیستم تربیتی مکتب انبیاء را هم نپذیریم و نگوئیم اگر مربیان اخلاقی مذهبی در اجتماع بشر پیدا نمیشدند و فضائل اخلاقی را ترویج و صفات ذمیه را تقبیح نمی‌کردند شاید برای همیشه همه دورانهای زندگی جوامع بشری گرفتار هرج و مرج اخلاقی و بی‌بندوباری و انحراف بودند ، ولی این حقیقت را هم نادیده نمیتوان گرفت که مکتب پیامبران آسمانی از آن جهت که قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین مکتب تربیتی اخلاقی است توانسته است قافله بشریت را خیلی زودتر از آنکه این راه باریک و پر اضطراب را با تجربه‌های تلخ و پیمودن دورانهای آلوده بجرائم اخلاقی طی کند ، با بیان ساده و دل‌نشین خود برای رسیدن به يك مدینه فاضله و يك اجتماع تعدیل‌شده آماده سازد .

و اگر این فضیلت و خدمت در عالم موجب احترام و ارزش باشد شك نیست که کسانی که زودتر از دیگران بفکر حل مشکلات زندگی انسانی از راه رساندن بشر به عالی‌ترین مدارج

اخلاقی و مظاهر حق و کمال افتاده اند بیش از دیگران ارزش و حق احترام دارند و مکتب تربیتشان بر دیگران مقدم است .

### يك امتياز اساسی ديگر

بفلاوه ، مزیت مکتب تربیتی انبیاء بر سایر مکتبها منحصر باین جهت نیست که انبیاء قبل از دیگران بفکر تربیت افراد انسانی افتاده و در این زمینه حق تقدم دارند ، بلکه فضل ممتازی که باروشن ترین جهت امتیاز ، حساب مکتب تربیتی انبیاء را از سایر مکاتب جدا و ممتاز میکند توجه عمیقانه ایست که انبیاء در موضوع تربیت ، علاوه بر اجتماع ، بفرودارندولی نظر عمده مر بیان اخلاقی غیر مذهبی تنها اجتماع است

مر بیان اجتماعی اگر از بدی دروغ و ظلم و ستم و خوبی احترام بحقوق دیگران صحبت میکنند فقط و فقط بخاطر منافع اجتماع است یعنی آنها برای اجتماع ارزش و واقعیت خاصی قائلند و فرد را وسیله ای برای اجتماع و بخاطر مصالح اجتماع تربیت میکنند .

در مقابل این مکتب ، همانطور که گفته شد ، هدف اصلی مکتبهای مذهبی تربیت فرد است و بطبعاً اجتماعی که از افراد صالح تشکیل شود اجتماعی صالح خواهد بود و در نتیجه باید گفت مر بیان اخلاقی اجتماعی ، افراد را فدای اجتماع میکنند ولی مر بیان اخلاقی مذهبی در درجه اول فرد را بفضائل اخلاق مجهز میکنند ، در نتیجه اجتماع سالم و صالحی بوجود میآورند ، یعنی هم فرد را اصلاح میکنند و هم اجتماع را .

و بخاطر همین اختلاف نظری که در اصل لزوم تربیت میان این دو مکتب اخلاقی موجود است ؛ مر بیان اخلاقی اجتماعی نمیتوانند بعضی از فضائل اخلاقی را آنطور که شایسته است و بآن دقتی که مر بیان اخلاقی مذهبی مورد بحث و کنجکاوی قرار میدهند تحت کنترل شدید در آورده و باعلا درجه امکان ارتقاء دهند ، در حالیکه مکتبهای اخلاقی مذهبی در بررسی صفات اخلاقی مورد قبول مکتب خود با اندازه ای دقیق و موشکافند که بهیچوجه نمیتوانند برای کلیات اخلاقی جز در موارد بسیار نادر و لازم تخصیصی قائل شوند ، در این مقاله اگر بخواهیم تمام یا اغلب مسائل اخلاقی را از نظر هر دو مکتب مقایسه کنیم کلامی طولانی و خسته کننده خواهد شد لذا برای نمونه یکی از مسائل اخلاقی اکتفا نموده بحث را در همان جا خاتمه میدهیم .

### فضیلت در خدمت اجتماع

خوبی راستگویی در قبال بدی و زشتی دروغگویی یکی از مصادیق واضح فضائل اخلاقی از نظر هر دو مکتب است ، ولی مر بی اخلاقی اجتماعی از آنجا که دروغ را از نظر مفاسد اجتماعی

عیب همیشه مارد قهر آ تا آن حد برای راستگویی ارزش قائل شده و از دروغگویی مذمت میکند که کاری از کارهای اجتماع را فلج سازد ، اگر مأمور رسیدگی بیکي از ماشینهای کارخانه بدون رسیدگی بگوید ماشین سالم است ، اگر متصدی بهداری بدون معاینه ، گواهی صحت مزاج بیکي از کارمندان بدهد ، اگر مهندس ساختمانی با استحکام بنائی که باخشت بالا رفته و سست پایه است رأی بدهد ، در تمام این موارد و نظائر آن دروغ از نظر مری اخلاقی اجتماعی ناپسند و شخص دروغگو مردود و مذموم است .

ولی اگر همین شخص دروغگو شغل سابق را رها کرده در میدان سیاست قدم بگذارد ، و در یکی از نطقهای سیاسی دروغهایی بگوید که در مشی سیاسی وقت اثر جالبی داشته باشد نه تنها از دروغگویی او مذمت نمیشود بلکه هر اندازه در این نطق بیشتر بلوف زده باشد مورد تمجید و تحسین بیشتری خواهد بود و یا اگر در اعلاناتهای تجار تی هزارها توصیه بی اصل از یک جنس تجار تی بکند ابدأ از نظر مری اخلاقی اجتماعی مذموم نیست ، فراموش نمیکنم جمله ای را که در یکی از اعلاناتهای تبلیغاتی بود « شیرین تر از شیرین - زیبا تر از زیبا » این شخص با این آب و تاب میخواست یکی از انواع اغذیه کودک را تعریف کند ، ملاحظه میفرمائید چگونه عنوان تبلیغ ماهیت مطلب را عوض کرده . شاید شما خواننده عزیز هم تا بحال این گوینده را جز دروغگویان عالم حساب نکرده اید . و یا اگر در یکی از مجالس انس و دوستانه بعنوان شوخی هزارها دروغ گفته شود و مفسده ای برای اجتماع ایجاد نکند مکتب اخلاقی اجتماعی گوینده این دروغ را گناهکار نمیداند و خلاصه آنکه ارزش فضیلت در این مکتب بخاطر منافع اجتماع است نه بخاطر فرد و فضیلت .

با این حساب توقع تربیت یک فرد در این مکتب اصولاً توقی بیجا و بی مورد است ، زیرا برای کسب ملکات فاضله و متخلق شدن با اخلاق حسنه تنها شناختن خوب از بد و تمیز نیکو از نکوهیده کفایت نمیکند ، بلکه احتیاج به تمرین و تکرار و بالاخره عادت و کردار و گذشت زمان دارد و اگر بنا باشد موقعیت های مختلف و مشاغل متنوع در حسن و قبح صفات چنانچه لازمه مکتبهای اخلاقی اجتماعی است دخالت داشته باشد این مکتب هرگز قادر نخواهد بود فرد خاصی را تربیت کند که دارای عادات فاضله و ملکاتی باشد که بصورت خلق و صفت در شخص هویدا و برای همیشه حافظ و جلوگیری او از انحرافات اخلاقی گردد .

### فضیلت بخاطر فضیلت

اینکه باید دید که مکتبهای تربیتی مذهبی با چه دقت و توجه عمیقانه در این راه قدم

برداشته ، برای نیل به هدف نهائی خود که تزکیه و تربیت فرداست با تمام قوا میکوشد تا یک صفت حسنه بصورت واقعی و ریشه دار در فرد ایجاد شود. کافی است که در خصوص همین صفت مورد بحث، روایتی را که اصبح بن نباته از علی علیه السلام (۱) نقل میکند مورد بررسی قرار دهیم. علی علیه السلام با اصبح بن نباته میفرماید : **«لا یجد عبد طعم الايمان حتى یتترك الکذب هزله و جده»**، هیچکس طعم ایمان را نمی‌چشد مگر آنکه از دروغ‌گوئی اعم از شوخی و جدی پرهیز کند ، اگر چه بزرگان دین و مریدان مکتب اخلاقی اسلام در روایات زیادی با بیان‌های مختلف دروغ‌گوئی را تحریم و مفساد و مضار آنرا بیان کرده‌اند ، ولی از آنجا که هدف اصلی این مکتب در درجه اول تربیت شخص و توجه بعمق ذات اوست ملاحظه میفرمایند که علی علیه السلام با چه دقتی می‌خواهد توجه «اصبح» را که یکی از شاگردان مکتب اوست به اهمیت و ارزش فضائل اخلاقی بخاطر ایجاد شخصیت فردی جلب کند .

راستی هر وقت که من باین روایت برمیکورم نشاط عجیبی در خودم احساس میکنم ، مکتب تربیتی اسلام در تربیت فرد چه دست توانائی دارد ؟ و چه امتیازات روشنی همچنانکه اگر کسی غذائی را خورد و طعم آن را درک نکرد قطعاً از نظر جسم مریض است همچنین علی علیه السلام میفرماید اگر کسی هم مدعی ایمان بخدا باشد ولی از دروغ چه بعنوان شوخی و استهزاء و چه از روی جد پرهیز نکند درست مانند همان شخص باید گفت ایمان او ناقص است .

### ضعف نفس و دروغ‌گوئی

بیانید این روایت را کمی بیشتر بررسی و تجزیه کنیم تا بشاهکار های تربیتی اسلام بیشتر آشنا شویم شکی نیست که آشکارترین اثر ایمان بخدا اتکاء بخود و قدرت نفس است و دروغ‌گوئی از صفات رذیله است که یکی از علل اصلی آن ضعف نفس و بی‌شخصیتی است . زیاد دیده شده است افرادی که خیلی هم در مقابل احکام اسلام و دستور های تربیتی اخلاقی بی بندوبار نیستند با این حال در مقابل سؤالیهای بی جای دیگران ، در برابر تقاضاهائی که قادر با انجام آن نیستند و یا نمی‌خواهند بآن تقاضا پاسخ مثبت بدهند بدروغ متوسل میشوند ، اگر شخصی برخلاف آداب معاشرت از موضوع محرمانه‌ای سؤال میکند برای اینکه جواب دهنده این قدرت نفس را در خود نمی‌بیند که بگوید متأسفانه از جواب صریح بشما معذورم دست بدامن دروغ میزند ، اگر شخص مزاحمی در موقع یکی از کارهای لازم درب‌خانه را میکوبد برای اینکه قادر نیست با کمال ادب و انسانیت و با نهایت قدرت جلوی در رفته و بگوید الان از پذیرفتن شما معذورم بدروغ‌گوئی دست‌زده زن یا بچه و یا نوکرش را مجبور میکند که بروند و بگویند آقا در منزل نیست ! غافل از اینکه برای فرار از ترک آداب معاشرت خیالی بترک ادبی که از لوازم ایمان است اقدام کرده ، اینها و نظائر آن کارهای معمولی و روزانه‌ایست که عده‌ای از مسلمانان مؤمن بخاطر آنکه طعم ایمان را نچشیده و قدرت نفس در آنها بوجود نیامده مرتکب میشوند .